

بقلم: آقای عبدالوهاب قائم مقامی

## تاریخ پیدایش پول در ایران

(۴)

وقتی که این خبر پادشاه روم رسید گفت پادشاه اسلام مرا تهدید کرد بضرب سکه ولی این ترتیب باقی نخواهد ماند.

هارون گفت چنانکه در این زمان این ترتیب معمول شده و مسلمانان نقود رومی را قبول مینمایند.

و این مطلب را هم حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده بود که چنین خواهد شد.

هارون الرشید سپس گفتار خود را بانداختن آن درهم که درست داشت نزد یکی از خواص خود که مشغول تفکیک دراهم بوده خاتمه داد.

بنا بر مراتب فوق الذکر اسم نقود از آن تاریخ بیعد در ممالک اسلامی طلا دینار و نقره درهم و مس فلس نامیده شد.

اگر چه قبل از اسلام هم در عرب اسم درهم و دینار بر نقود اطلاق میشده و بهمین نام خوانده میشد چنانکه خداوند در قرآن کریم فرماید در سوره حضرت یوسف (ع) و شروره بئمن بخش دراهم معدوده<sup>۱</sup>.

و اسم تازه نبوده ولی رسماً از آن تاریخ این اسمی بر نقود گذاشته شد ولی قبل از ضرب سکه در اسلام آنچه در تواریخ بنظر رسیده نوشته اند که این چیز یا مال چند هزار مثقال طلا خریدده شده یا اتفاق شده یا خرج شده است.

۱- و نیز یزید بن معاویه گوید - مدام کبتر فی اناء کفضته - کنگشده دینار علی

اما در مملکت ایران هم نقود دوره ساسانی هجری وهم نقود ومسكوك عرب رایج المعامله بوده است تا زمانی که سلطنت ایران تقریباً مجزاشد.

در هر محل و مکانی و شهری اسم خاصی برای نقود داشته اند چنانکه ذکر میشود و بیشتر اینها از اشعار شعرای وقت استنباط شده است.

مثلاً سوزنی سمرقندی که در قرن پنجم هجری میزیسته گفته است :

از کیسه درستیش برون کردم و دادم

تا رام شد آن توسن بدمهر بزر بر

در آنوقت درست نام پول بوده و شاید پول طلا هم بوده است.

ولی فردوسی که در قرن چهارم هجری بوده در همه جا درم برای پول نام برده

چنانکه گوید :

همان شاخ نر گس بها یک درم خریدی کسی و نگشتی درم

و نیز گوید:

درم هر که دارد دلش روشن است درم در بدیها یکی جوشن است

و نیز گوید:

درم دارد و نقل و نان و نیند سر کو سپندی تواند برید

سعیدی گوید:

درم داران عالم را کرم نیست کرم داران عالم را درم نیست

در قرون وسطی معلوم نیست که نقود ایران چه نام داشته و بعدها بهمان نام زرو

سیم خوانده میشده است.

در زمان مغولان نیز معلوم نیست که مسكوك ابران چه نام داشته ولی بالش

مغلی که دارای صد هزار دینار و تومان که ده هزار است از آن زمان و عصر بیارگار

مانده است.

پنابایخان آذربیک نیم قرانی سکه زده و بنام خود موسوم نموده که تا این اواخر هم نیم قران را پناباد می‌گفتند یادگار اوست .

در دوران سلطنت صفویه هم وضعیت نقود چندان روشن و واضح نیست که چه حال و چه نام داشته است ولی شاه عباس کبیر دو چیز در مسکوکات ایران بیادگار گذاشت که یکی عباسی که عبارت از دوصد دینار است و قرانرا پنج عباسی می‌گفتند و همین طور پول‌ها بعباسی تقسیم میشده و دیگر شاهی است که بعد از فتح بندرعباس از دست پرتقالیها پولیکه در آنجا بوده ریال می‌گفتند که اقتباس از کلمه روایال یعنی سلطنتی مثل امپریال روسی که یعنی امپراطوری و شاه عباس هم پولی بنام شاهی در ایران رواج نمود که هنوز معمول و رایج است منتها بقیمتهای مختلف.

در سال ۱۳۳۵ هجری قمری و قتیکه در اوقاف بودم و قفنامه دیدم مورخ تاریخ هفتصد و اندی که ملک بنج آباد جنب جبل من توابع ری را شخصی وقف بر یکی از مساجد زی کرده بود و در آنجا نوشته بود مال الاجاره این ملک عبارت است از سی شاهی تبریزی و برای آن مصارفی معین نموده بود.

پس بنا بر این معلوم میشود که قبل از شاه عباس هم شاهی بنقود گفته میشده و رواج بوده ولی میزان و معیار آن چه بوده معلوم نگردیده بعد از آمدن افغانه بایران اشرف افغان پول طلائی سکه کرده که هنوز هم در ایران بیول طلا اشرفی میگویند و تغییری در آن نکرده است.

نادرشاه افشار و قتیکه بسلطنت رسید نقود ایران را اصلاح و بر وزن آنها افزود چنانکه قران های نادری قریب دو مثقال و نیم نقره وزن دارد و همچنین اشرفی و مسکوک طلا هم قرب دو مثقال وزن داشت.

نقش نقود نادرشاه که بروی قرانها بود.

در یکطرف نوشته بود.

سکه برزر کرد نام سلطنت را در جهان

نادر ایران زمین و خسرو گیتی ستان

و در طرف دیگر نوشته بود :

تاریخ جلوس میمنت مانوس الخیر فی ماوقع و نام محلی که در آنجا سکه شده

و تاریخ سنه ۱۱۴۸

و این مسکوک موسوم بسکه گیتی ستان نادری معروف است.

کریم خان زند در زمان زمامداری نام سلطنتی بر خود نهاده و خود را وکیل-

الرعایا نامیده چنانکه در شیراز هنوز بازار و حمام و مسجد و کیل معروف است و همینطور نقودیکه سکه زده بدین طریق بود.

شد آفتاب و ماه زر و سیم در جهان

از سکه امام بحق صاحب الزمان (ع)

و در بالای آن دایره کوچکی رسم شده و در آن نوشته بود (یا کریم) در طرف

دیگر تاریخ ضرب و محل آن منقوش شده بود و این نقود بنام سکه صاحب الزمان معروف است.

این ترتیب مجری و برقرار بود تا دوره قاجاریه یعنی زمان فتحعلیشاه چون

سال سیم سلطنتش رسید خود را صاحب قران نامیده و از آن تاریخ قران واحد پول ایران قرار گرفت .

مرحوم قائم مقام در جلالیر نامه فرموده است .

ذغال وهیمه ویوشن گران است کلمک جفتی بیک صاحبقران است (۱)

و چون زمان سلطنت ناصرالدین شاه رسید و سی سال سلطنت نمود او هم

بهمان قرار سکه بصاحب قران زده و عمارت صاحبقرانیه را در شمیران بساخت و

(۱) نقش مسکوکات محمد شاه بر حسب دستور قائم مقام جد بنده نگارنده این

سطور بود - شاهنشاه انبیا محمد .

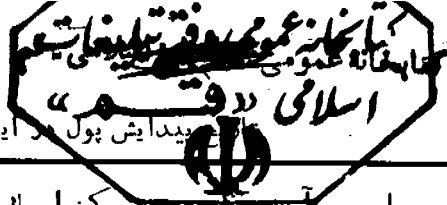
و صاحب قران کما فی السابق در ایران رواج یافت .

نظر باینکه از زمان سابق یعنی از دوره ساسانیان و قبل از اسلام معمول چنان بود که در هر شهری ضرابخانه مخصوصی داشته که وجوه طلا و نقره و مس در آنجا ضرب و در دسترس اهالی آن شهر گذاشته می شد و هر شهری نام و اسم مخصوصی داشت که در روی نقود آن نقش بوده چنانکه دیلا درج میشود .

طهران - دارالخلافه - مشهد - مقدس - تبریز - اصفهان - قزوین - دارالسلطنه - زنجان - دارالملک - گیلان - مازندران - استرآباد و گرگان - دارالمرز - کرمانشان - دارالدوله - کرمان - دارالامان - شیراز - دارالعلم - قم - دارالایمان - یزد - دارالعباد - همدان - بلده طیبه - هرات پس از فتح ناصرالدین شاه - دارالنصره - کاشان دارالمؤمنین .

اگرچه معلوم نیست بتحقیق که این اسامی از چه زمان و تاریخ بر این شهرها گذارده شده ولی در کلمه ( دار ) که در اول آنهاست تصور میرود در دوره های اسلامی بآنها داده شده باشد و از دارات عرب اقتباس شده باشد چنانکه فیروزآبادی در قاموس در ماده الدار ذکر کرده است .

خلاصه چون بواسطه دخالت بعضی از مردمان غیر صالح کم کم در بعضی از شهرها شروع کردند بضرب سکه مغشوش چنانکه در همدان از جای دیگر بیشتر و واضح تر شده که قرانهای همدانی چندشاهی قیمتهاً از سایر قرانها کمتر ارزش داشت بنابراین ناصرالدین شاه تقریباً در سال بیستم سلطنتش این ترتیب را برهم زده و امر داد که آقا ابراهیم امین السلطان پدر میرزا علی اصغر خان صدراعظم اتابیک که تقریباً وزیر دربار بود ماشین ضرب سکه از خارجه وارد کرده و درمابین طهران و شمیران محلی را برای ضراب خانه که تا کنون باقی است انتخاب و ماشینها را نصب و مشغول سکه شدند و فرمان شاهی صادر شد که از تمام ولایات پول ها و



مسکوکات قدیم را جمع آوری نمود و بمرکز ارسال و در عوض وجوه و نقود جدید را دریافت دارند (ضرابخانه را در فارسی سرای درم گویند).

و چون این عمل و کار بواسطه امین السلطان انجام شده بود لذا این نقود بدو هزاری و قران امین السلطانی معروف و مشهور گردید و چون نقود ایران از زمان قدیم دارای دوران مختلف بوده مخصوصاً در هر شهری وزن ها متفاوت بود لذا وزن و قیمت ثابت و قرار برای نقود در نظر گرفته و مطابق آن مشغول ضرب سکه شدند چنانکه ذیلا درج میشود.

توضیح آنکه از زمان قدیم وزن نقود نقره و طلا و مس بواسطه دورانی زیاد متفاوت بود مثلاً قرانهای زمان صفویه و نادری و کریم خانی ضرب دو مثقال بلکه دو مثقال و نیم وزن داشته و همین طور اشرافی نادری ضرب دو مثقال وزن داشته و پولهای مسی هم یک شاهی قریب دو مثقال وزن داشته که عمل آنها خیلی مشکل بود این بود که وزن ثابتی برای نقود و مسکوک در نظر گرفته و از آن رو عمل کردند. اما ترتیب اوزان نقود که در زمان ناصرالدین شاه برقرار شد در ضرابخانه جدید سکه کردند.

اشرفی - ۲۸۰ نخود وزن که چهار نخود بار یعنی نقره در آن داخل کرده و ۱۴ نخود طلای خالص آن بود. پنج هزاری طلا - نه نخود وزن دو نخود بار و هفت نخود طلای خالص دو هزاری طلا پنج نخود وزن یک نخود بار و چهار نخود طلای خالص اما پولهای نقره هر قران یک مثقال وزن داشت که چهار نخود آن بار و بست نخود نقره خالص بود.

دو هزاری نقره دو برابر آن بود.

و پنج هزاری نقره پنج برابر آن بود.